

تأملی بر نقاط قوت و ضعف و واکاوی الزام اشخاص به طرح دعوی از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

(مقاله علمی - پژوهشی)

سام محمدی*

محمدحسین تقی پور درزی نقیبی**

مهدی طالقان غفاری***

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴

چکیده

اگر مبانی و اصول دادرسی را در رساندن داد به تظلم خواه در نظر بگیریم، یکی از پایه های اصلی عدالت قضایی و مدنی تسریع در آن می تواند باشد و البته الکترونیکی شدن خدمات قضایی و دادرسی نیز اصلی ترین هدف دادرسی در این گستره می تواند تعریف گردد. در این راستا، معنای برقراری نظم در جوامع، مستلزم وضع قوانین مناسب است. به روزرسانی قوانین به مقتضای توسعه روزافزون فناوری اطلاعات، امری حیاتی جلوه می کند؛ از این رو ریاست قوه قضائیه حرکت به سوی دادرسی الکترونیک را مدنظر خود قرار داده و اقدام به وضع آیین نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی و متعاقب آن، آیین نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات قضایی و کانون آنها براساس اختیار منشعب از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نموده است. یافته ها حاکی از آن است که به موجب آیین نامه یادشده، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با به عرصه وجود نهادند و طرح دعوا الزاماً از طریق دفاتر یادشده تحقق می یابد. طرح دعوا توسط دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، دارای مزایا و معایب بسیاری است؛ از معایب آن می توان به افزایش هزینه طرح دعوی حضوری، فقدان جایگاه قانونی ریاست قوه قضائیه در زمینه الزام اشخاص در طرح دعوا و مشکلات طرح دعوا، از تنظیم تا ارسال دادخواست، و از مزایای آن به کاهش هزینه ها، اشتغال زایی و دریافت مالیات بر درآمد اشاره نمود. از سوی دیگر وضع آیین نامه ای الزامی توسط ریاست قوه قضائیه با اصل عدم صلاحیت در حقوق عمومی در تنافی است؛ ولیکن پرواضح است که لازمه استفاده از صلاحیت های مصرح قانونی در بسیاری از موارد وضع آیین نامه برای نیل به اهداف تدوین شده است. اما این اختیار نباید عاملی بر محدود کردن حقوق مکتسبه مردم باشد؛ بنابراین تخییر باید جایگزین الزام اشخاص به طرح دعوا از طریق مراکز یادشده گردد.

کلیدواژگان:

قوه قضائیه، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، دادرسی الکترونیک، اصل تلازم، اصل منع اعمال محدودیت.

* استاد، دانشکده حقوق، دانشگاه مازندران، بابلسر

s.mohammadi@umz.ac.ir

** استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، بابلسر

mh.taghipour@umz.ac.ir

*** دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه مازندران، بابلسر (نویسنده مسئول)

m.taleghanghafari@stu.umz.ac.ir

مقدمه

نظریه تفکیک قوا با هدف تحدید نمودن قدرت حکام به وجود آمد. بر اساس این نظریه، هر یک از قوا وظیفه ذاتی مشخصی دارند و باید بر انجام امور محوله اهتمام ویژه ورزند. با توجه به کارکرد مناسب و جهان‌شمولی نظریه تفکیک قوا، قانون‌گذار اساسی درصدد پذیرش آن برآمد؛ از این رو مقنن با در نظر گرفتن سه وجه قدرت^۱ در اصل ۵۷ بیان داشته است: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند». پذیرش نظریه تفکیک قوا با وجود آمیختگی نظام حقوقی و سیاسی کشور ایران با دین اسلام و نظریه مورد پذیرش ولایت فقیه، با حدود و ثغور متفاوتی نسبت به غرب عرضه شد؛^۲ به گونه‌ای که حتی برخی صرفاً پذیرش آن را به دلیل سودبخشی در تقسیم کار و در نتیجه تسهیل امور پذیرفته‌اند.^۳

قوه قضائیه به عنوان یک نهاد مستقل و با هدف پاسداری و تضمین حقوق آحاد مردم جامعه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران پا به عرصه وجود نهاد. ریاست قوه قضائیه از بین واجدین شرایط توسط مقام رهبری برگزیده و مطابق وظایف مصرح در اصول ۱۵۶ و ۱۵۸ قانون اساسی، اقدام به انجام تکالیف می‌نماید. یکی از مهم‌ترین وظایف ریاست قوه قضائیه، ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری است. دادگستری به عنوان مرجع حل و فصل اختلافات برای نیل به اهداف خود، نیازمند ساز و کاری مشخص در راستای طرح و رسیدگی دعاوی است که به موجب قانون آیین دادرسی، این امر محقق می‌گردد. قوانین آیین دادرسی در بسیاری موارد توان پاسخگویی به نیازهای روز را نداشته‌اند؛ لذا مدیران دستگاه قضا درصدد به‌روزرسانی آن برآمده‌اند. علی‌رغم انعطاف‌ناپذیری و محافظه‌کاری دستگاه قضایی، این مجموعه نیز از

۱. طباطبایی، سید جواد، *تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا: از نوزایش تا انقلاب فرانسه*، دفتر

سوم: نظام‌های نوآیین در اندیشه سیاسی، جلد ۱، تهران: انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۳، ص ۳۸۰.

۲. عارف کیا، امید، غلامحسین مسعود و مسعود راعی، *بررسی تطبیقی چالش‌های پیش روی کاربست نظریه تفکیک قوا در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و ج.ا. ایران*، نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، شماره ۴۹، ص ۱۹۳.

۳. ابوالفضل، علی، *تفکیک قوا از منظر اندیشمندان اسلامی*، نشریه معرفت، ۱۳۹۶، شماره ۲۳۳، ص ۱۰۳.

پیشرفت‌های حاصل شده در فناوری اطلاعات و ارتباطات و توسعه روزافزون استفاده از رایانه و همچنین اینترنت مصون نبوده است؛^۱ از این رو، با توجه به نقش انکارناپذیر تکنولوژی و فناوری اطلاعات^۲ و عجین شدن آن با زندگی مردم و همچنین تأکید قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۳ بر طراحی و استقرار نظام جامع اطلاعات که به وضوح مؤید سامانه‌های مبتنی بر رایانه است، مقنن تلاش خود را برای الکترونیکی نمودن دادرسی و برنامه‌ریزی مدون برای تحقق این امر نمود که این تلاش برای قانونی‌سازی دادرسی الکترونیکی در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی مصوب ۱۳۹۳ و همچنین آیین‌نامه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی مصوب ۱۳۹۵ قابل رؤیت است.

ریاست قوه قضائیه در راستای اجرای بند ۶ سیاست‌های کلی قضایی پنج‌ساله و بند «ج» ماده ۴۸ قانون برنامه پنجم توسعه کشور و همچنین تبصره بند «ج» ماده ۱۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، اقدام به وضع آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی نمود. بر اساس این آیین‌نامه، طرح دعوا و مطابق آن پیگیری‌های لازم از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی باید صورت گیرد. بنابراین ریاست قوه قضائیه در راستای وظایف قانونی خود و با هدف برون‌سپاری^۳ برخی وظایف غیرذاتی (وظایف اداری)^۴ و در نتیجه استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و با محور قرار دادن ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ شرایط ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی را محقق نمود. گذر زمان به خوبی مزایا و معایب ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی را نمایان ساخت؛ علی‌رغم تحقق اهداف والایی چون کاهش

۱. محسنی، حسن و همایون رضایی‌نژاد، **دادگستری و پیشرفت‌های فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات**، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۴، ۱۳۹۱، شماره ۲، ص ۱۳۶.
۲. محسنی، حسن، **چالش‌های ابلاغ (سنتی، الکترونیک، سابقه و زبان)**، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، ۱۳۹۷، شماره ۲، ص ۳۳۹.
۳. «برون‌سپاری یعنی دستگاه یا بنگاه دولتی به کالاها و خدماتی نیاز دارد، اما به جای اینکه نیاز خود را از طریق داخل سازمانی رفع کند، آن نیاز را از طریق خریداری از بخش خصوصی مرتفع می‌سازد». (شبروی، عبدالحسین، **حقوق اقتصادی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۳).
۴. غمامی، سید محمد مهدی و مهدی مرادی برلیان، **امکان یا امتناع خصوصی سازی امور مربوط به قوه قضائیه**، نشریه حقوقی دادگستری، ۱۳۹۷، شماره ۱۰۴، ص ۲۱۱.

هزینه‌ها، اشتغال‌زایی و دریافت مالیات بر درآمد که به وضوح قابل رویت می‌باشند، معایب قابل توجه و ملموسی نظیر افزایش هزینه‌های طرح دعوا در برخی موارد، مشکلات موجود در اقامه دعوا از زمان تنظیم دادخواست تا ارسال آن و همچنین نادیده انگاشتن درخواست‌هایی که مطابق نص قانونی به صورت فوری باید مورد بررسی قرار گیرند، مصائبی را ایجاد نمود.

پژوهش حاضر ضمن واکاوی مزایا و معایب دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، درصد پاسخگویی به این سوال است که آیا آیین‌نامه موجود صلاحیت اجبار اشخاص به طرح دعوا از طریق ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی را مطابق موازین قانونی داشته است؟ بدین منظور، جستار پیش‌رو ضمن ارزیابی مزایا و معایب طرح دعوا از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، به واکاوی صلاحیت یا عدم صلاحیت آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی در الزام اشخاص به اقامه دعوا از طریق ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی خواهد پرداخت و از رهگذر بررسی اصول عدم صلاحیت، تلازم و منع اعمال محدودیت به سوالات مطروحه پاسخ خواهد داد.

۱. ویژگی‌های دادرسی کارآمد

در دادرسی کارآمد باید بتوان مفاهیم و مسائل حقوقی را که به بهترین وجه به پرونده کمک می‌کند، رمزگشایی و ارائه کرد. در واقع یکی از ویژگی‌های اساسی دادرسی کارآمد، توجه به زمان و هزینه‌هایی است که در این رابطه صرف می‌شود. در این زمینه، زمان و هزینه‌های معقول و متداول دعاوی مدنی و فرایند کارآمد و کالت دعاوی محاکمه کیفی است که جریان (رویه) بهینه دادرسی و کارایی آن را ایجاد می‌کند. کیفیت دادرسی که یکی از ضمانت‌های اساسی در نظام دادرسی مدنی است، بر ساماندهی مؤثر روابط حقوقی اصحاب دعوا و دستگاه قضایی تأکید دارد؛ بنابراین در عین ارتقای کارکرد اجتماعی دادرسی، عدالت ماهوی نیز خواهد بود. در این بین، توجه به مقتضیات روز در قوانین مرتبط با دادرسی بسیار مهم است. در عصر تکنولوژی و سرعت اینترنت، قاعدتاً «یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های دادرسی کارآمد، می‌تواند بهره‌گیری از این ابزار برای سرعت بخشیدن به دادرسی باشد. بهره‌گیری از اینترنت و خدمات الکترونیک قضایی مستلزم آن است که همه چیز آسان، سریع و کارآمد باشد»^۱ این نوع واقعیت بر اساس اصول

1. Latifiani, D, "Human Attitude and Technology: Analyzing a Legal Culture on Electronic Court System in Indonesia (Case of Religious Court)". *JILS (Journal of Indonesian Legal Studies)*, 6(1),2021, p 159.

ساده، سریع و کم‌هزینه رشد می‌کند که اساس روند دادرسی دادگاه می‌تواند باشد و نیازمند آماده ساختن لوازم و زیرساخت‌ها در کشور است. وجود این اصل مسلماً ایجاب می‌کند که رسیدگی به پرونده‌ها در فرایند قضایی در زمان سریع و بدون فرایند پیچیده و صرفاً مستلزم هزینه‌ای ناچیز باشد که بر عهدهٔ جامعهٔ عدالت‌خواه باشد؛ بنابراین، سیاست دستگاه قضایی که درخواست الکترونیکی دادگاه^۱ را اعمال می‌کند، یک ضرورت در جامعهٔ جهانی امروز است.

۲. آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی و آیین دادرسی مدنی

اجرای صحیح قانون در راستای ایجاد عدالت یکی از دغدغه‌های همهٔ نظام‌های حقوقی و نیازمند تغییراتی در روند قضایی است. برخی تغییرات با توجه به پیشرفت روزافزون روش‌های نوین ارتباطی، علاوه بر اینکه خدمات الکترونیکی قضایی نقش مهمی را بین مراجع قضایی و ضابطان دادگستری فراهم می‌کند، نقش بسزایی در ثبت و ضبط اسناد و حفظ محرمانه بودن اسناد خواهد داشت. آیین‌نامهٔ ارائه خدمات الکترونیک قضایی و آیین دادرسی مدنی ارتباط وثیقی در عصر تکنولوژی با یکدیگر دارند. این آیین‌نامه اساساً برای تسریع در امور دادرسی و جلوگیری از اطاله آن و ارائه خدمات الکترونیک قضایی در زمینهٔ جرایم بنا گرفت. از این لحاظ، به نظر می‌رسد که بین آیین‌نامهٔ ارائه خدمات الکترونیک قضایی با آیین دادرسی مدنی کمتر تعارضی دیده می‌شود و آیین‌نامه می‌تواند به عنوان سندی کامل‌کننده و به‌روزشده در زمینهٔ دادرسی در نظر گرفته شود؛ اگرچه ضعف‌هایی دارد. چه اینکه تقابل دستگاه قضایی طرفداری مدیریت سنتی با ارتباطات الکترونیک اصطکاک ایجاد می‌کند و لزوم آماده‌سازی مقدمات اجرایی این شیوهٔ برخورد با همکاری ارائه‌دهندگان خدمات الکترونیک اعم از دولتی و خصوصی ضروری به نظر می‌رسد. از نظر برخی از محققان، با تجزیه و تحلیل قوانین موجود از طریق بررسی زیرساخت‌های مورد نیاز برای ایجاد سامانهٔ دادرسی الکترونیکی و شناسایی برخی مشکلات از جمله الزامی نبودن استفاده از این نوع رویه‌ها، ضرورت تغییر آنها، نحوهٔ اطلاع‌رسانی و برگزاری الکترونیکی دادرسی و ارائه راهکارهای مناسب از جمله لزوم تدوین مقررات و دستورالعمل‌های

مرتبط از الزاماتی است^۱ که باید در آیین‌نامه فوق‌بدان بیشتر پرداخت شود تا در بهتر شدن رویه دادرسی مدنی، خاصه در زمینه قانون‌گذاری‌های آینده برای هم‌عصر شدن با تحولات تکنولوژی نیز موفق‌تر عمل کند.

۳. مزایای طرح دعوا با استفاده از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

امروزه بسیاری از کشورها با هدف کاهش هزینه‌های دادرسی، جلوگیری از اطاله دادرسی و همچنین تسهیل امور قضایی، درصد کاستن نقش عوامل انسانی در دادرسی و بهره‌گیری از دادرسی الکترونیک هستند.^۲ مدیران نیز همواره درصد افزایش کارآمدی سازمانی و ارتقای مجموعه خود می‌باشند؛ از این رو تلاش می‌نمایند تا با بهره‌گیری از تجارب ارزنده کسب شده، نقاط ضعف و قوت را شناسایی و در نتیجه برای ادامه مسیر و بهسازی سازمان و رسیدن به سرمنزل مقصود از هیچ تلاشی فروگذاری ننمایند.^۳ دستگاه قضا نیز برای رسیدن به اهداف والای خود که تحقق عنصر حیاتی عدالت در جامعه است، مستلزم تشکیلات لازم در امور قضایی و غیرقضایی می‌باشد؛^۴ لذا در راستای توسعه قوه قضائیه و استفاده از ظرفیت‌های فناوری و با هدف ارائه خدمات مطلوب و در نتیجه افزایش رضایتمندی مراجع‌کنندگان، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به موجب آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی پا به عرصه حیات نهادند. ماده ۱ آیین‌نامه یادشده اشعار داشته است: «اشخاص حقیقی یا حقوقی جهت طرح و پیگیری

۱. وحدتی، مهدی، حسین طاهرخانی، پرویز ساورایی و جمشید نورشوق، بررسی چالش‌ها و رفع تعارض مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با نگرش تطبیقی در حقوق فرانسه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۳۹۹، شماره ۷(۴)، ص ۲۴۲.

۲. اسمعیلی، اکبر و بابک پورقهرمانی، چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، ۱۳۹۸، شماره ۸۷، ص ۵۴.

۳. زین‌الدینی، مجید، علی فرهی و محمدرضا سلطانی، پیامدهای کارآمدی در قوه قضائیه از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، نشریه اسلام و مدیریت، ۱۳۹۵، شماره ۸ و ۹، ص ۱۶۲؛ زین‌الدینی، مجید، علی فرهی و محمدرضا سلطانی، ساز و کارهای کارآمدی در قوه قضائیه براساس گفتمان امام خمینی (رحمت الله علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، نشریه امنیت ملی، سال ۵، ۱۳۹۴، شماره ۱۸، ص ۱۲۲.

۴. تنگستانی، محمدقاسم، حدود و لوازم اختیارات رئیس قوه قضائیه در «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» در نظام حقوقی ایران، نشریه حقوق اداری، ۱۳۹۸، شماره ۱۹، ص ۶۰.

دعاوی و شکایات و سایر امور قضایی، از طریق «دفاتر خدمات قضایی» یا «درگاه خدمات قضایی» و با استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی اقدام می‌نمایند». در ماده ۲ صراحتاً بیان شده است که دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با هدف «طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان در فضای مجازی» ایجاد شده و مطابق مواد آیین‌نامه یادشده اقدامات مقتضی را انجام می‌دهند. تأسیس این دفاتر بی‌شک موجبات ارائه خدمات ارزنده‌ای را فراهم آورده است که به تبیین اهم آن موارد پرداخته خواهد شد.

۳.۱. کاهش هزینه‌ها

ماده ۴ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی بیان داشته است: «در روش اقدام از طریق درگاه، خواهان یا شاکی دادخواست یا درخواست یا شکایت خود را به همراه مستندات مربوطه به صورت سند الکترونیکی تبدیل نموده و پس از محاسبه هزینه دادرسی توسط سامانه و پرداخت الکترونیک آن، کد رهگیری را اخذ و با همراه داشتن اصل مستندات، به دفتر خدمات قضایی مراجعه می‌نماید. دفتر خدمات قضایی پس از تأیید مطابقت اسناد الکترونیکی تهیه شده با اوراق ابزاری از سوی متقاضی، آن را از طریق سامانه خدمات قضایی به مرجع ذی‌ربط ارسال می‌نماید». به موجب این ماده، خواهان یا شاکی برای طرح دعوا می‌تواند به نزدیک‌ترین دفتر خدمات الکترونیک قضایی مراجعه نماید و بدین گونه دفتر مربوطه از طریق سامانه خدمات قضایی پرونده را به مرجع صالح ارسال می‌کند. این درحالی است که در گذشته اشخاص، برای اقامه دعوا حتماً باید به مرجع صالح قضایی مراجعه می‌نمودند و از آنجایی که اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده بر عمده دعاوی حکم‌فرماست؛^۱ چه بسا به دلیل اقامت خوانده در محلی غیر از محل اقامت خواهان، مدعی متحمل هزینه گزافی صرفاً برای طرح دعوا می‌شد؛ از این رو، خواهان اکنون تنها برای شرکت در جلسه دادرسی در دادگاه محل اقامت خوانده حضور می‌یابد و حتی اگر شخص نیت تقدیم لایحه را داشته باشد با مراجعه به دفاتر یادشده اقدام به

۱. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، جلد ۱، انتشارات دراک، چاپ ۳۱، ۱۳۹۳، ص ۳۷۸؛ مهاجری، علی، *آیین دادرسی مدنی (۱)*، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۸، ص ۱۶۹؛ ابهری، حمید و محمدرضا برزگر، *آیین دادرسی مدنی ۱، دعاوی و صلاحیت‌ها*، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰، ص ۱۵۶؛ مردانی، نادر و محمد جواد بهشتی، *آیین دادرسی مدنی*، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، چاپ پنجم، ۱۳۹۳، ص ۲۵۵.

ارسال آن به محکمه صالح می‌نماید. علاوه بر مورد یادشده ارائه خدمات الکترونیک توسط دفاتر خدمات الکترونیک قضایی موجبات کاهش هزینه‌های دستگاه قضا را نیز فراهم آورده است؛^۱ چراکه تهیه فرم دادخواست یا شکوائیه به صورت الکترونیک، صرفه‌جویی در مصرف روزانه کاغذ و جوهر بوده و همچنین کاهش نیروی انسانی را به همراه خواهد داشت.

۳.۲. اشتغال‌زایی

بازار کار یکی از مهم‌ترین بازارهای اقتصادی است که به دلیل نقش اجتناب‌ناپذیر آن در رشد و تعالی جامعه، همواره مورد تأکید دولتمردان قرار داشته است؛ لذا در برنامه‌های توسعه، اشتغال‌زایی مورد توجه بوده و متولیان امر درصدد رفع مشکلات این حوزه برآمده‌اند.^۲ ریاست قوه قضائیه مطابق ماده ۲ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی که مقرر داشته است: «دفاتر خدمات قضایی که در این آیین‌نامه به اختصار «دفتر» خوانده می‌شوند، دفاتری برای طرح و پیگیری امور قضایی مراجعان در فضای مجازی می‌باشند و می‌توانند از میان دفاتر اسناد رسمی یا غیر آن برگزیده یا تأسیس شوند؛ ضوابط و شرایط مربوط به تأسیس، فعالیت و انحلال این دفاتر به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد». با استفاده از ظرفیت بخش خصوصی، قسم اعظمی از وظایف اداری محاکم را به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی واگذار نموده است. بی‌شک الکترونیکی شدن این امور و واگذاری آن به دفاتر یادشده موجبات چابک شدن و پویایی هرچه بیشتر دستگاه قضا و تمرکز بیشتر ارکان قضایی بر حل و فصل امور را به همراه خواهد داشت.^۳ از سوی دیگر، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی برای انجام صحیح وظایف قانونی خود نیازمند به‌کارگیری نیروهای متخصص می‌باشند؛ بدین دلیل آیین‌نامه اجرایی ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و کانون آنها مصوب ۱۳۹۶، صراحتاً در ماده ۱۵ خود ابراز داشته است که

۱. ریاضی، فرشته، بررسی نسبت بهبود کارایی قوه قضائیه و استفاده از تکنولوژی در دفاتر خدمات قضایی، نشریه پژوهش ملل، ۱۳۹۸، شماره ۴۷، ص ۸۶؛ ابهری، حمید، ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی؛ مزایا و معایب، مطالعات حقوق خصوص، ۱۳۹۷، شماره ۴۸ (۳)، ص ۴۰۸.
 ۲. امینی، علیرضا، تحلیل بازار کار و سیاست‌های اشتغال‌زایی اقتصاد ایران با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، نشریه مجله اقتصادی، سال ۱۵، ۱۳۹۴، شماره ۵ و ۶ ص ۲۴.
 ۳. شهبازی‌نیا، مرتضی، مجید غمامی و صدیقه جوان، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی، دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۶، شماره‌های ۷۹ و ۸۰، ص ۱۴۴.

دفاتر یادشده علاوه بر مدیر دفتر باید حداقل دارای یک کارشناس حقوقی و همچنین یک کارشناس فناوری اطلاعات و در نهایت دو کارمند دفتری باشد و این امر می‌تواند گام بلندی در راستای اشتغال‌زایی افراد ایفا نماید.

۳.۳. دریافت مالیات بر درآمد

مالیات در بسیاری از کشورها به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت، نقش بسزایی ایفا می‌نماید. این در حالی است که در برخی از کشورها مالیات اصلی‌ترین عامل کسب درآمد دولت‌ها محسوب می‌شود^۱ و سیاست‌گذاران با تدوین قوانین جامع و مانع علاوه بر ایجاد محرک‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری، مالیات را ابزاری برای پیشرفت کشور تلقی می‌نمایند. دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، بر اساس مفاد قانون مالیات‌های مستقیم موظف به پرداخت مالیات بر درآمد ارائه خدمات می‌باشند؛ از این رو با تأسیس این دفاتر کمک شایانی به نظام مالیاتی کشور صورت می‌گیرد؛ لذا دفاتر یاد شده موظف‌اند در زمان مقتضی با ارسال مدارک و مستندات موجود اعم از تعداد و میزان حقوق کارکنان دفتر و همچنین میزان درآمد و مخارج آن اقدام قانونی لازم برای پرداخت مالیات را انجام دهند و در نهایت مالیات براساس اعلام مرکز فناوری اطلاعات سازمان امور مالیاتی از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اخذ می‌گردد.

۴. معایب طرح دعوا از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

مدیران با تدوین برنامه‌های مدون و تبیین نقشه راه مجموعه خود، درصد بهره‌مندی بیش از پیش از توانایی مجموعه و در نتیجه کارایی و اثربخشی بالاتر هستند و کسب توفیق این مهم در سلامت اداری سازمان و رضایتمندی مراجعین تبلور می‌یابد. پیشرفت‌های فناورانه و تغییرات ملموس زندگی مردم، مدیران را بر آن داشته تا به مقتضیات زمان، شیوه مدیریت مجموعه خود را منقلب نمایند. ارائه برنامه شتاب‌زده و عدم شناسایی چالش‌های موجود، ممکن است آثار و تبعات

۱. نجفی کاج‌آبادی، قاسم، محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، منصور زراءنژاد و علیرضا پورفرج، **ارزیابی پیشنهاد تغییر مالیات بر درآمد شخصی با توجه به ویژگی‌های خمس: رویکرد تعادل عمومی قابل محاسبه**، نشریه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال ۷، ۱۳۹۹، شماره ۱، ص ۶۲.

منفی در رضایت شهروندان و در نتیجه ایجاد دیدگاه منفی نسبت به دستگاه مربوطه را به همراه داشته باشد.

شناسایی ابعاد مربوط به کیفیت خدمات ارائه شده در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و معیار قرار دادن عواملی چون قابلیت اطمینان، پاسخگویی، تضمین خدمات و راحتی دسترسی^۱ می‌تواند به خوبی مؤید نقاط قوت و ضعف مجموعه را بر ملا نموده، در نتیجه عاملی برای برطرف کردن نواقص موجود باشد.

۴.۱. افزایش هزینه

به موجب ماده ۱ آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی برای طرح دعوا و پیگیری آن باید از طریق درگاه خدمات قضایی یا دفاتر خدمات قضایی اقدام نمایند؛ بنابراین تشکیل پرونده و پیگیری‌های مرتبط با آن الزاماً باید با توسل به فناوری‌های الکترونیکی صورت پذیرد که این امر در قانون آیین دادرسی جرائم نیروهای مسلح و دادرسی الکترونیکی و همچنین رویه عملی به وضوح قابل رؤیت است.^۲ علی‌رغم اشاره مستقیم ماده ۱ آیین‌نامه خدمات الکترونیک قضایی به درگاه خدمات قضایی و استفاده از «یا» انفصال، اشخاص برای طرح دعوا باید به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مراجعه نمایند و امکان استفاده از درگاه خدمات قضایی میسر نمی‌باشد. البته شایان ذکر است وکلای دادگستری از طریق کارتابل الکترونیک شخصی خود می‌توانند اقدام به طرح دعوا نمایند؛ ولیکن درخصوص سایر اشخاص، انحصاری مغایر با نص آیین‌نامه یادشده مبنی بر مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی ایجاد شده که خالی از اشکال نمی‌باشد و بی‌شک این امر مستلزم صرف وقت و هزینه است؛ چراکه دفاتر خدمات الکترونیک قضایی براساس تعداد خواهان و خوانده، منضمت دعوا، هزینه‌ای را از مراجعه‌کنندگان، فارغ از هزینه‌های طرح دعوا، به عنوان هزینه ارائه خدمات دریافت می‌نمایند.

۱. جعفری، حمیدرضا، نورمحمد یعقوبی و امیرحمزه سالارزایی، بررسی تاثیر کیفیت خدمات الکترونیک قضایی بر رضایتمندی شهروندان، نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ۷، ۱۳۹۳، شماره ۲۴، صص ۱۶۰ و ۱۶۱.

۲. زاده‌حسین علیایی، زهر و احمد احمدی، دادرسی الکترونیک در حقوق ایران؛ اهداف، مبانی و ویژگی‌ها، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳۹۷، شماره ۳۵، صص ۱۳۲.

۴.۲. فقدان جایگاه قانونی ریاست قوه قضائیه در زمینه الزام اشخاص در طرح دعوا

در قانون اساسی مقنن ضمن شناسایی قوه قضائیه در کنار سایر قوا به تبیین صلاحیت‌های قوه، تشکیلات و نحوه اداره آن پرداخته است؛^۱ از این رو قانون‌گذار اساسی در اصل ۱۵۷ بیان داشته است: «به منظور انجام مسئولیت‌های قوه قضائیه در کلیه امور قضایی و اداری و اجرایی مقام رهبری یک نفر مجتهد عادل و آگاه به امور قضایی و مدیر و مدبر را برای مدت پنج سال به عنوان رئیس قوه قضائیه تعیین می‌نماید که عالی‌ترین مقام قوه قضائیه است». ریاست قوه قضائیه در راستای استقلال اداری این قوه که مؤید استقلال سازمانی قوه قضائیه می‌باشد، اقدام به وضع آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی نمود تا بدین گونه همسو با پیشرفت تکنولوژی و توسعه دنیای ارتباطات، موجبات تسهیل طرح دعوا و رسیدگی به آن و نهایتاً تحقق عنصر حیاتی عدالت را فراهم آورد؛ شایان ذکر است، مطابق مواد ۱۷۵^۲ و ۱۷۶^۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نیز دادرسی الکترونیک مدنظر مقنن قرار گرفته است؛ از این رو قانون‌گذار صراحتاً از استفاده از سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی سخن به میان آورده و وزیر دادگستری را مکلف به تهیه آیین‌نامه و در نهایت تصویب ریاست قوه قضائیه نموده است. در همین راستا، در سال ۱۳۹۵ آیین‌نامه نحوه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی تصویب و منتشر شد؛ لذا فارغ از نقاط ضعف و قوتی که بر عملکرد دفاتر ارائه دهنده خدمات الکترونیک قضایی برشمرده‌ایم، سوال اساسی این است که آیا ریاست قوه قضائیه صلاحیت الزام اشخاص به طرح دعوا از طریق دفاتر یادشده را مطابق آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی و آیین‌نامه اجرایی ایجاد دفتر خدمات قضائی و کانون آنها را که خود اقدام به وضع آن نموده، داشته است؟

۱. یآوری، اسدالله و محمدقاسم تنگستانی، **نظام پاسخگویی قوه قضائیه و نسبت آن با استقلال این قوه**، نشریه حقوقی دادگستری، سال ۸۰، ۱۳۹۵، شماره ۹۵، ص ۱۶۷.
۲. «استفاده از سامانه‌های (سیستم‌های) رایانه‌ای و مخابراتی، از قبیل پیام‌نگار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضائی و همچنین نیابت قضائی با رعایت مقررات راجع به دادرسی الکترونیکی بلامانع است. تبصره- شرایط و چگونگی استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای و مخابراتی موضوع این ماده براساس آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».
۳. قوه قضائیه می‌تواند ابلاغ اوراق قضائی را به بخش خصوصی واگذار کند... چگونگی اجرای این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون توسط وزیر دادگستری و ارتباطات و فناوری تهیه می‌شود و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد.

قانون‌گذار در ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری از بلامانع بودن استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای برای طرح دعوا و شکایت و... سخن گفته است. واژه بلامانع دارای مفهوم مشخصی است و فی‌الواقع مقنن برای تسهیل امور، استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای را جایز دانسته است؛ ولیکن این گفته به هیچ وجه مؤید اجبار اشخاص به طرح دعوا از طریق مراجعه به دفاتر یادشده نمی‌باشد و این در حالی است که مطابق مطالب مطروحه، اکنون برای طرح دعوا الزاماً باید به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مراجعه نمود؛ از سوی دیگر پرواضح است که در سلسله مراتب منابع حقوق، قانون در رأس قرار دارد و اهمیت قانون اساسی بر هیچ شخصی پوشیده نیست. قانون‌گذار اساسی در اصل ۳۴ اشعار داشته است: «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرکس می‌تواند به منظور دادخواهی به دادگاه‌های صالح رجوع نماید. همه افراد ملت حق دارند این گونه دادگاه‌ها را در دسترس داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌توان از دادگاهی که به موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع کرد». با وجود این، به نظر می‌رسد، الزام اشخاص به مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، مانعی هرچند موقت به منظور مراجعه مستقیم آحاد مردم به محاکم و متعاقب آن دادخواهی است.

۴.۲.۱. اصل عدم صلاحیت

قانون اساسی به عنوان پایه و اساس سایر قوانین، اقدام به وضع مقررات و بیان ساز و کارهای کلی می‌نماید و جزئیات را به قوانین عادی وا می‌گذارد. قوانین عادی در راستای چارچوب‌های مقرر شده باید اقدامات مقتضی را انجام دهند. به موجب اصل ۷۱ قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی مرجع قانون‌گذاری است و شورای نگهبان بر قوانین وضع شده مجلس از منظر مغایرت یا عدم مغایرت آن با احکام اسلامی و قانون اساسی نظارت می‌کند. قانون اساسی برای ریاست قوه قضائیه که مقامی انتصابی است، صلاحیت قانون‌گذاری در نظر نگرفته و حتی از صلاحیت وضع آیین‌نامه توسط مقام یاد شده سخنی به میان نیاورده است؛ از این رو با تمسک به اصل پذیرفته‌شده عدم صلاحیت در حقوق عمومی^۱ که با هدف حمایت از طرف ضعیف‌تر در جمع اراده‌های نابرابر و جلوگیری از سوءاستفاده دستگاه‌های دولتی از قدرت وضع شده، مقام

۱. طاهری، آزاده‌السادات و محمدعلی رجب، آثار عدم صلاحیت در حقوق کیفری در پرتو آموزه های حقوق عمومی، نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۳، شماره ۴، ص ۷۱.

قضایی صلاحیت الزام اشخاص مبنی بر مراجعه به دفاتر ارائه خدمات الکترونیک قضایی را نداشته است. شایان ذکر است، قوه مقننه نیز اختیار تفویض قانون‌گذاری به نهادهای دیگر را ندارد؛^۱ چرا که این امر از وظایف ذاتی قوه یادشده محسوب می‌شود و چنین تفویضی با مفهوم و منطوق قانون اساسی در مغایرت است.

۴.۲.۲. اصل تلازم

اصل ۱۵۸ قانون اساسی که به وظایف رئیس قوه قضایه اشاره دارد، در بند ۱ از «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه و ششم» سخن گفته است؛ لذا ریاست قوه قضائیه برای تحقق چنین امری باید اختیار وضع آیین‌نامه را داشته باشد تا بتواند به خوبی دستگاه قضا را به سرمنزل مقصود برساند. با وجود عدم تصریح قانون‌گذار اساسی به صلاحیت وضع آیین‌نامه توسط مقام یادشده، عقل تلازم و وابستگی اختیار یاد شده با صلاحیت در وضع آیین‌نامه را به خوبی درک می‌کند.^۲

در کنار صلاحیت‌های مصرح قانونی، پرواضح است که سازمان‌ها برای نیل به اهداف خود باید اختیارات و وظایفی را دارا باشند؛ از این رو صلاحیت ضمنی در چنین مواردی مورد تأیید است و هیچ ایرادی بر آن مترتب نیست.^۳ لازم به ذکر است، صلاحیت یادشده نباید به گونه‌ای باشد که ریاست قوه قضائیه در مقام انجام وظایف و رساندن دستگاه مربوطه به اهداف تعیین شده، قانون‌گذاری نماید؛ بنابراین صرف وضع آیین‌نامه‌های یادشده نمی‌تواند مغایر قوانین اساسی و عادی باشند؛ ولیکن الزام به طرح دعاوی از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی یقیناً

۱. آقایی طوق، مسلم و حسن لطفی، تمیز میان «تفویض اختیار قانونگذاری و اعطای صلاحیت تخییری» در آرای دیوان عالی آمریکا، نشریه حقوق اداری، ۱۳۹۳، شماره ۶ ص ۷۴.

۲. اصل تلازم یکی از اصول پذیرفته شده در فقه است که فقها در موارد متعدد با اتکا به آن به تبیین مسائل پرداخته‌اند (محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۵؛ مدرسی، محمدرضا، البیع، جلد ۱، قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۹۳، ص ۵۲۹؛ خمینی، روح الله، ترجمه تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، جلد ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۳، ص ۵۸۳؛ میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، جامع الشتات، جلد ۳، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱، ص ۴۸۵ و ذهنی، ایرانی، سید جواد، المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیة، جلد ۱۱، قم: انتشارات وجدانی، ۱۳۶۶، ص ۱۰).

۳. بالوی، مهدی و سیده زهرا سعید، بررسی صلاحیت وضع مقررات توسط رئیس جمهور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، نشریه دانش حقوق عمومی، سال ۵، ۱۳۹۵، شماره ۱۶، ص ۴۳.

قانون‌گذاری محسوب می‌شود. آنچه باید مطمح نظر قرار گیرد، نظارت بر عملکرد ریاست قوه قضائیه در وضع مقررات قانونی است. نظارت یقیناً یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین مسائلی است که در نظام‌های مختلف مورد تأکید مؤکد قرار گرفته است؛^۱ علی‌رغم ابزارهای نظارتی مناسبی که پیش‌بینی شده است، متأسفانه در مواجهه با مقررات وضع‌شده توسط ریاست قوه قضائیه، نظارت قانونی مقتضی تحقق نمی‌یابد. قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در قسمت صلاحیت‌ها از ریاست قوه قضائیه سخن نگفته است و با وجود تفاسیری که مبنی بر صلاحیت دیوان عدالت اداری در رسیدگی به اعمال ریاست قوه مطرح‌شده، دیوان به آن با شک و تردید می‌نگرد و به نظر می‌رسد با وجود این خلأ قانونی صرفاً می‌توان به اصل که همان مراجعه به دادگاه‌های عمومی به عنوان مراجع عام تظلم‌خواهی است، متکی بود. از سوی دیگر، اصل ۱۷۰ قانون اساسی نیز بی‌تردید می‌تواند در بسیاری از موارد راهگشا باشد؛ بنابراین ریاست قوه قضائیه صرفاً صلاحیت وضع آیین‌نامه دفاتر ارائه خدمات الکترونیک قضایی را داشته است و اعطای این نوع صلاحیت و استفاده مناسب از آن تهدیدی در راستای نقض قانون اساسی قلمداد نمی‌شود.

۴.۲.۳. اصل منع اعمال محدودیت

کشورهای مختلف در طبقه‌بندی قوانین از آیین‌نامه‌ها نیز سخن گفته‌اند. آیین‌نامه به مقتضای صلاحیت کشورها، توسط مقامات مختلف وضع می‌شود^۲ و از نظر اعتبار و تشریفات صدور با قوانین متفاوت‌اند.^۳ دفاتر خدمات الکترونیک قضایی به موجب آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی با هدف تسهیل مراجعات آحاد مردم به دستگاه قضا و افزایش کارآمدی نظام

۱. مظهری، محمد و سمیه موندی، بررسی آثار حقوقی مترتب بر تمایز صلاحیت در حقوق عمومی و اهلیت در حقوق خصوصی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال ۷، ۱۳۹۷، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، ص ۷۰.
 ۲. الویت، کاترین و کاترین ورنون، نظام حقوقی فرانسه، ترجمه صفر بیگ‌زاده، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷، ص ۷۳؛ هیئت پژوهشگران کاوندیش، نظام حقوقی انگلیس، ترجمه نسرین مهرا، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۴، ص ۳۶؛ فرکمان، آنکه و توماس وگریش، دادگستری در آلمان، ترجمه محمد صادری توحیدخانه و حمید بهره‌مند بگ‌نظر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۸۸، صص ۱۰۴ و ۱۰۵.
 ۳. کانونیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ صدونوزدهم، ۱۳۹۸، ص ۱۲۳.

قضایی کشور و با محور قرار دادن اصل ثبات و استمرار خدمات عمومی^۱ توسط ریاست قوه قضائیه در راستای نص ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پا به عرصه وجود نهادند. به موجب این آیین‌نامه، اشخاص برای طرح دعوا باید از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی اقدام نمایند. این درحالی است که قانون اساسی تظلم‌خواهی را حق اشخاص دانسته و ایجاد ممانعت برای مراجعه به محاکم دادگستری را به وضوح منع نموده است. واگذاری امور اداری به دفاتر یادشده به هیچ وجه منع مراجعه به محاکم دادگستری محسوب نمی‌گردد؛ ولیکن یقیناً موید نوعی محدودیت برای شهروندان قلمداد می‌شود؛ چرا که آنها را از مراجعه مستقیم به محاکم باز می‌دارد.

اعمال چنین محدودیتی توسط ریاست قوه قضائیه با اصل پذیرفته‌شده صلاحیت انحصاری قانون برای تهدید حقوق و آزادی‌ها^۲ در منافات است. ایجاد محدودیت برای شهروندان تنها از طریق نمایندگان مجلس شورای اسلامی که نمایندهٔ بلافصل ملت محسوب می‌شوند، باید صورت گیرد؛ لذا ریاست قوه قضائیه صرفاً در راستای ارائه و استمرار خدمات عمومی و ایجاد تشکیلات لازم به تناسب مسئولیت‌های مصرح قانونی می‌تواند اقدام به وضع آیین‌نامه اجرایی نماید و این توانایی قانونی به هیچ وجه نباید عاملی بر زیر پای نهادن اصول و مقررات قوانین شکلی نظیر آیین دادرسی مدنی و آیین دادرسی کیفری باشد؛ از سوی دیگر ریاست قوه قضائیه در وضع آیین‌نامه نمی‌تواند اقدام به قانون‌گذاری نماید و بدین‌گونه برای آحاد جامعه محدودیتی ایجاد نماید؛ از این رو شایسته است با تبیین سازوکارهایی جدید و اصلاح آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی، مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و متعاقب آن استفاده از خدمات الکترونیک قضایی امری تخییری محسوب شود تا بدین‌گونه گامی استوار به منظور پاسداشت قانون اساسی و اصول مسلم حقوقی برداشته شود.

۱. زمانی، امان‌الله و محمدحسن باقری خوزانی، صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی، نشریه حقوقی دادگستری، سال ۸۲، ۱۳۹۷، شماره ۱۰۳، ص ۳۹.
 ۲. اسدیان، احمد، تحولات تفکیک قوا (نگرشی بر تغییرات مهندسی قدرت سیاسی)، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۵، ص ۱۱۸.

۴.۳. مشکلات طرح دعوا؛ از تنظیم تا ارسال دادخواست

قانون‌گذار آیین دادرسی مدنی در ماده ۴۸، شروع رسیدگی به دعوا را مستلزم تقدیم دادخواست دانسته است؛ از این رو دکترین به تعریف و تبیین دادخواست^۱ پرداخته‌اند.^۲ شایان ذکر است تقدیم دادخواست به عنوان یک اصل پذیرفته شده در آیین دادرسی مدنی فراملی نیز مورد تأکید و توصیه حقوقدانان اقصی نقاط دنیا قرار گرفته است.^۳ تغییرات حادث شده باعث گردید تا تقدیم دادخواست با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی صورت گیرد و مقنن آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی در ماده ۵ از این مورد سخن گفته است. علی‌رغم تأکید آیین‌نامه یادشده بر تحویل دادخواست به دفتر خدمات الکترونیک قضایی، در عمل شاهد تنظیم دادخواست توسط دفاتر هستیم. در برخی موارد به علت فشار کاری سنگین ناشی از مراجعه تعداد کثیری از متقاضیان، اشتباهات فاحشی در درج مطالب رخ می‌دهد و از آنجایی که سازوکار مشخصی برای رفع این ایرادات در دادرسی الکترونیک پیش‌بینی نشده به ناچار باید از قواعد آیین دادرسی مدنی استفاده نمود که در بسیاری موارد به علت وجود اشتباه غیرقابل اصلاح، دادخواست ارسالی قابلیت پذیرش و ترتیب اثر نخواهد داشت؛ بنابراین بهتر است دفاتر خدمات الکترونیک قضایی با توجه به نص آیین‌نامه موجود صرفاً دادخواست را تحویل گرفته و آن را تبدیل به سند الکترونیک نمایند تا بدین‌گونه اشتباهات کارکنان تأثیری در جریان رسیدگی ایفا ننمایند. نکته حائز اهمیت دیگر، محدود بودن عناوین «خواسته» در سامانه الکترونیکی دفاتر خدمات الکترونیک قضایی است. به موجب ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، خواسته الزاماً باید در دادخواست تعیین گردد و با توجه به عدم اشاره مقنن به نوع خواسته، خواهان به مقتضی اندوخته‌های حقوقی خود یا

۱. «دادخواست، فرم مخصوصی است که توسط قوه قضائیه تهیه و در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد تا دعاوی حقوقی خود را در آن مطرح نمایند» (بهری، حمید، **آیین دادرسی مدنی ۲ (جریان دادرسی؛ از آغاز تا پایان)**، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران: ۱۳۹۱، ص ۱۳).

۲. شمس، عبدالله، **آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)**، جلد ۲، تهران: انتشارات دریا، چاپ سی و دوم، ۱۳۹۲، ص ۱۴؛ بهری، حمید، **آیین دادرسی مدنی ۲ (جریان دادرسی؛ از آغاز تا پایان)**، پیشین، ص ۱۳.

۳. غمامی، مجید، حسن محسنی، پیشین، ص ۲۰۸؛ مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی و مؤسسه حقوق امریکا، **اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی**، ترجمه مجید پوراستاد، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۲، مؤسسه بین‌المللی یکنواخت‌سازی حقوق خصوصی و مؤسسه حقوق امریکا، **اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی**، ترجمه مجید پوراستاد، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۲، ص ۱۴۷.

مددگرفتن از صاحب‌نظران عنوان را انتخاب می‌نماید. محدود بودن عناوین خواسته در سامانه مانعی بر طرح دعوا در خصوص موضوعات مستحدثه یا موضوعاتی که خواسته آن با عناوین درج شده متفاوت است، می‌گردد. برای رفع این مشکل، دفاتر خدمات الکترونیک قضایی پیشنهاد انتخاب عنوان مشابهی را مطرح می‌نمایند تا در ادامه شخص موضوع محدودیت و اصلاح خواسته را از دادگاه تقاضا نماید که ممکن است تالی فاسد بسیاری به همراه داشته باشد؛ از این رو بهتر است ضمن وجود عناوین پیش‌فرض، سامانه به گونه‌ای طراحی شود که امکان درج عناوین خواسته متفاوت نیز وجود داشته باشد.

تقدیم دادخواست در برخی موارد دارای مواعد خاصی است که الزاماً باید رعایت گردند. با مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، دفتر در بدو امر اقدام به تنظیم دادخواست می‌نماید و در ادامه با واریز نمودن هزینه دادرسی، تکمیل دادخواست و ارسال آن به محکمه صالح صورت می‌پذیرد. محاکم زمان ارسال از دفاتر خدمات الکترونیک قضایی را تاریخ تقدیم دادخواست تلقی می‌نمایند. حال ممکن است به علت عوامل خارج از اراده متقاضی مانند قطعی مکرر سامانه در ساعات اداری و ایام غیرتعطیل با هدف به‌روزرسانی، فرایند ثبت و ارسال دادخواست به طول انجامد یا بعد از ارسال ایراداتی به وقوع بپیوندد که وصول دادخواست را با مصائب خاصی مواجه کند و این امر موجبات تضییع حقوق مکتسبه اشخاص در واخواهی، تجدیدنظرخواهی و فرجام‌خواهی را به همراه داشته باشد؛ از این رو، بهتر است با ملاک قراردادن زمان وصول و همچنین پذیرش عوامل خارج از اراده فرد به عنوان دلایل موجه، نقص یادشده برطرف گردد و متصدیان امر نیز به‌روزرسانی سامانه را به ساعات غیراداری و ایام تعطیل موکول می‌کند و با ارسال اطلاعیه‌ای، این مهم را به سمع و نظر وکلا که دارای سامانه خودکاربری می‌باشند، برسانند.

یکی دیگر از مشکلاتی که در زمان تنظیم دادخواست نمایان است، نبود نرم افزار کاربردی واحد در خصوص محاسبه ارزش منطقه‌ای املاک می‌باشد؛ به گونه‌ای که در خصوص ملکی با مشخصات واحد ارزش منطقه‌ای متفاوتی در دفاتر مختلف درج می‌شود و شایسته است برای یکسان نمودن رویه دفاتر، نرم‌افزار واحدی طراحی شود تا بدین گونه از تشتت نظرات جلوگیری به عمل آید؛ از سوی دیگر باید توجه داشت که دفاتر یادشده با هدف تسهیل امور مراجعه‌کنندگان پا به عرصه حیات نهادند و الزام افراد به استفاده از کارت بانکی که به وضوح در قالب بخشنامه‌ای

توسط کانون دفاتر خدمات قضایی ابلاغ شده، با هدف یادشده سازگار نمی‌باشد؛ چراکه بسیاری از افراد دارای کارت بانکی نبوده یا به دلایلی به آن دسترسی ندارند.

در خصوص کاهش یا افزایش هزینه خدمات الکترونیکی قضایی می‌توان گفت که استفاده از فناوری برای قوه قضائیه اکنون یک ضرورت است. چه اینکه فناوری اطلاعات برای اداره دادگاه برای دستیابی به محاکمات سریع، ساده و کم‌هزینه استفاده می‌شود و قاعدتاً در مدیریت و کاهش هزینه، بیشتر منافع دستگاه قضا و البته مردم را در بر می‌گیرد. آیین‌نامه ارائه خدمات الکترونیک قضایی نیز در همین راستا برای تسریع در امور دادرسی، به حداقل رساندن فساد اداری و البته کاهش هزینه مراجعین به دادگاه بنیان گرفته است. این آیین‌نامه به نوعی به عنوان مبنای قانونی برای اداره امور دادرسی و محاکمات الکترونیکی شکل گرفته است تا مردم به راحتی به دنبال عدالت باشند و نیاز به توجه و تدقیق در آن احساس می‌شود.

۴.۴. مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی و معضل درخواست‌های فوری

در برخی موارد، قانون‌گذار برای جلوگیری از تضییع حق اشخاص، درخواست دادرسی فوری و صدور دستور موقت را جایز دانسته است؛ لذا خواهان چه قبل از طرح دعوا، چه بعد از آن و چه در اثنای رسیدگی می‌تواند تقاضای رسیدگی فوری را در مواردی که محتاج به تعیین تکلیف فوری است، تقدیم کند. محکمه در صورتی که درخواست خواهان را موجه تشخیص دهد، اقدام به صدور دستور موقت خواهد نمود.^۱ خواهان برای درخواست رسیدگی فوری ملزم است به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مراجعه نماید که یقیناً این امر اتلاف وقت را در پیش خواهد داشت و با فوریت مدنظر مقنن در آیین دادرسی مدنی سازگار نخواهد بود؛ شایان ذکر است که این مورد برای قانون‌گذار از چنان اهمیتی برخوردار است که در ماده ۳۱۴ قانون آیین دادرسی مدنی این امکان را به مقام رسیدگی‌کننده به دعوا اعطا نموده که در صورت احراز فوریت امر و با هدف جلوگیری از تضییع حق اشخاص، در اوقات تعطیل نیز به آن رسیدگی کنند. این در حالی است که به دلیل تعطیل بودن دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در ایام تعطیل و خارج از ساعات اداری و انحصار

۱. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، پیشین، ص ۹۴؛ ابهری، حمید، *آیین دادرسی مدنی ۳ (طواری دادرسی (امور اتفاقی))*، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۸، ص ۸۱؛ نوبخت، یوسف، *نگاهی به آیین دادرسی مدنی*، تهران: انتشارات راد نواندیش، ۱۳۹۳، ص ۳۵۷.

طرح دعوا از طریق دفاتر یاد شده، امکان ارسال درخواست در چنین زمان‌هایی مقدور نمی‌باشد. علاوه بر مورد یادشده ماده ۳۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی به دلیل شرایط خاص دستور موقت، درخواست آن را به صورت شفاهی نیز مورد پذیرش قرار داده است، ولیکن با وجود الزام به طرح دعوا از طریق دفاتر ارائه خدمات الکترونیک قضایی این ماده مغفول مانده است.

۵. تحلیل اقتصادی دادرسی الکترونیکی

اجرای درست دادرسی الکترونیکی در دادگاه بسیار کارآمد بوده، به ویژه تسهیل در ثبت پرونده را می‌توان مثال زد. عدم حضور افراد در طرح دعوا، باعث صرفه‌جویی در هزینه می‌شود. هزینه‌های متحمل شده به هزینه‌های استاندارد در قالب اینترنت در می‌آید و مکاتبه آسان‌تر می‌شود؛ بنابراین استفاده از دادگاه الکترونیکی سیاستی است که می‌تواند کارایی تلاش‌های اجرای قانون را در راستای ایجاد سلامت اداری و دادرسی تشویق کند. در این گستره، برنامه خدمات الکترونیک قضایی ساده‌تر شود تا کارایی دادرسی در شکل اجرایی، سریع و کم‌هزینه در عدالت محقق شود.

از نظر اقتصادی، هدف دادرسی الکترونیکی را می‌توان در توسعه فرهنگ قضایی، تمرکز بر رفتار طرفین دعوا و برون‌سپاری دعاوی برای بهینه‌سازی آیین دادرسی و دستیابی به کارایی در سیستم قضایی در نظر گرفت. بر این اساس، دادرسی الکترونیکی، دارای کارکردهای مثبتی است که می‌توان گفت این کارکردها به دو دسته اجتماعی و خصوصی تقسیم می‌شوند. اول کارکردهای اجتماعی در اقتصاد که در زمینه دادرسی الکترونیکی می‌توان آن را با کنترل فراوانی دعاوی، تکنیک‌های برگشت ادعاها و الکترونیکی کردن ساختار سیستم قضایی احصا نمود که البته در خصوص زمان و تسریع در امور به‌صرفه‌تر از مراجعه حضوری است. ارتباط زمان با اقتصاد، روشن است؛ زیرا فردی که به شکل حضوری دعوا دادرسی را پیگیری نماید، احتمالاً هم درآمد شغلی او در فرایند آمد و شد در دادرسی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و هم هزینه‌های جانبی‌ای مانند هزینه جابجایی و مسائل اداری را باید در این رویه متقبل شود که آن را به طور کلی می‌توان ارزش و قیمت دعوا نامید. از سوی دیگر، «تمایل به دادرسی الکترونیکی، کنترل انگیزه‌های دعوا و هزینه‌های کلی آن نیز باید به عنوان یکی از کارکردهای فردی در نگرش

اقتصادی نظام دادرسی مورد توجه قرار گیرد»^۱. این کارکردها به استقرار دموکراسی قضایی، خصوصی‌سازی عدالت و ارتقای فرهنگ قضایی کمک می‌کند و هزینه‌های اجتماعی (دولتی) را نیز می‌تواند کاهش دهد؛ از این نظر باید دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مطابق با آیین‌نامه در راستای کاهش این هزینه‌ها حرکت کنند. با این حال در این راستا، باید به چالش‌های اساسی در آیین‌نامه و اساساً امنیت سایبری دفاتر خدمات الکترونیک قضایی نیز توجه کرد. همچنین فرهنگ الکترونیکی نیز باید در مواجهه با عموم مردم در قبال دادرسی الکترونیکی مورد توجه قرار گیرد و آموزش در این گستره بیش از پیش در اولویت باشد.

۱. الماسی، نجادعلی و بهنام حبیبی درگاه، **درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرایند دادرسی کارآمد**، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی سال ۱۳۹۱، دوره ۱۷، شماره ۵۸، ص ۲۵.

نتیجه‌گیری

پیشرفت‌های روزافزون تکنولوژی و توسعه فناوری اطلاعات، نیاز مبرم به تغییر روش‌های سنتی طرح دعوا و رسیدگی به پرونده‌ها را محسوس نموده است. قوه قضائیه بر اساس نظریه تفکیک قوا، قوه‌ای است مستقل که با هدف تحقق عدالت پا به عرصه وجود نهاده است و برای نیل به این اهداف از طریق ساز و کارهای تدوین‌شده، اقدامات مقتضی را انجام می‌دهد. یکی از مهم‌ترین وظایف ریاست قوه قضائیه ایجاد تشکیلات لازم است که اعمال این وظیفه در تأسیس دفاتر ارائه خدمات الکترونیک قضایی متبلور شده است. دادرسی الکترونیک و مراجعه آحاد مردم به دفاتر ارائه‌دهنده خدمات الکترونیک قضایی، آثار و تبعات مثبت بسیاری به همراه داشته است؛ از یک‌سو به وضوح موجبات کاهش هزینه‌ها و سهولت در طرح دعوا را فراهم آورده است؛ چراکه اشخاص برای طرح دعوا می‌توانند به نزدیک‌ترین دفتر خدمات الکترونیک قضایی محل اقامتگاه خود مراجعه کند و بدین‌گونه اقدامات مقتضی قانونی را انجام دهد یا در صورت نیاز با تقدیم لایحه از خود دفاع نمایند؛ از این رو، در بسیاری از موارد دیگر نیازی به مراجعه حضوری به محاکم وجود ندارد و از سوی دیگر به کارگیری نیروهای متخصص حقوقی و فنی در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی باعث توسعه اشتغال‌زایی شده است و همچنین بسیاری از هزینه‌های دولت که وظیفه تأمین منافع عمومی را برعهده دارد، با دریافت مالیات بر درآمد مرتفع می‌گردد.

علی‌رغم مزایایی که برای طرح دعوا از طریق دفاتر ارائه‌دهنده خدمات الکترونیک قضایی برشمرده شد، معایب آن نیز قابل توجه است. کاهش هزینه‌های دولت اگر مؤید تحمیل آن بر اشخاص دیگر باشد، یقیناً پسندیده جلوه نمی‌کند که این امر از طریق دفاتر یادشده با دریافت هزینه از مراجعه‌کنندگان در حال تحقق است؛ همچنین نبود ساز و کار مناسب، طرح دعوا را در بسیاری از موارد با معایب فراوانی همراه نموده است که این مشکلات از تنظیم تا ارسال درخواست قابل رؤیت است. به عنوان مثال می‌توان از محدود بودن عناوین خواسته سخن گفت؛ به گونه‌ای که در برخی موارد باعث تضییع حقوق مکتسبه اشخاص می‌شود. از سوی دیگر، پر واضح است که قواعد حاکم در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی در موارد متعددی در تعارض با اصول و قواعد آیین دادرسی قرار دارند؛ چراکه مقنن با ژرف‌اندیشی مناسب از طرح دعوا در صورت احراز فوریت و با هدف احیای حق تضییع شده در اوقات تعطیل و خارج از زمان اداری نیز

سخن گفته و این در حالی است که به دلیل تعطیل بودن دفاتر یادشده در اوقات مذکور عملاً امکان طرح دعوا وجود ندارد و با توجه به الزام اقامه دعوا از طریق دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، درخواست شفاهی رسیدگی علی‌رغم قید فوریت موجود میسر جلوه نمی‌کند؛ از این رو دستگاه قضا باید درصدد تصحیح ایرادات وارده برآید.

به موجب اصل عدم صلاحیت که از جمله اصول پذیرفته شده در حقوق عمومی است، صلاحیت ریاست قوه قضائیه محصور در موارد مصرح قانون اساسی است. به موجب ماده ۱۷۵ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، وضع آیین‌نامه استفاده از سامانه‌های رایانه‌ای در راستای طرح دعوا و شکایات و... بلامانع است؛ اما این امر به هیچ وجه مؤید اجازه قانون‌گذار برای اجبار اشخاص مبنی بر مراجعه به دفاتر خدمات الکترونیک قضایی محسوب نمی‌شود. از این رو بدون تردید، ریاست قوه قضائیه با وضع چنین آیین‌نامه‌ای در موارد بسیاری برای شهروندان ایجاد محدودیت در مراجعه مستقیم به محاکم و متعاقب آن طرح دعوا نموده است. این درحالی است که اعمال محدودیت، تنها توسط قانون‌گذاران که نمایندگان مستقیم آحاد مردم هستند، می‌تواند تحقق یابد و ریاست قوه قضائیه که مقامی انتصابی است، صلاحیت وضع مقررات محدودکننده را ندارد. لذا پیشنهاد می‌گردد ضمن رفع نواقص یادشده موجود در دفاتر ارائه خدمات الکترونیک قضایی، ماهیت مراجعه به این دفاتر از الزامی به تخییری تغییر یابد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

کتاب

۱. ابهری، حمید و محمدرضا بزرگر، *آیین دادرسی مدنی ۱، دعاوی و صلاحیت‌ها*، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران، ۱۳۹۰.
۲. ابهری، حمید، *آیین دادرسی مدنی ۲ (جریان دادرسی؛ از آغاز تا پایان)*، بابلسر: انتشارات دانشگاه مازندران: ۱۳۹۱.
۳. -----، *آیین دادرسی مدنی ۳ (طواری دادرسی (امور اتفاقی))*، تهران: انتشارات مجد، چاپ دوم، ۱۳۹۸.
۴. اسدیان، احمد، *تحولات تفکیک قوا (نگرشی بر تغییرات مهندسی قدرت سیاسی)*، تهران: انتشارات مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۵.
۵. الویت، کاترین و کاترین ورنون، *نظام حقوقی فرانسه*، ترجمه صفر بیگزاده، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷.
۶. خمینی، روح الله، *ترجمه تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، جلد ۲، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی ۱۳۸۳.
۷. ذهنی تهرانی، سید جواد، *المباحث الفقهیه فی شرح الروضه البهیة*، جلد ۱۱، قم: انتشارات وجدانی ۱۳۶۶.
۸. شمس، عبدالله، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، جلد ۱، انتشارات دراک، چاپ سی‌ویکم، ۱۳۹۳.
۹. -----، *آیین دادرسی مدنی (دوره پیشرفته)*، جلد ۲، تهران: انتشارات دراک، چاپ سی‌و دوم، ۱۳۹۲.
۱۰. -----، *آیین دادرسی مدنی (دوره بنیادین)*، جلد ۳، تهران: انتشارات دراک، چاپ بیستم، ۱۳۹۲.

۱۱. شیروی، عبدالحسین، **حقوق اقتصادی**، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹.
۱۲. طباطبایی، سید جواد، **تاریخ اندیشه سیاسی جدید در اروپا: از نوزایش تا انقلاب فرانسه، دفتر سوم: نظام‌های نوآیین در اندیشه سیاسی**، جلد ۱، تهران: انتشارات مینوی خرد، ۱۳۹۳.
۱۳. غمامی، مجید و حسن محسنی، **آیین دادرسی مدنی فراملی**، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۹۶.
۱۴. فرکمان، آنکه و توماس وگیش، **دادگستری در آلمان**، ترجمه محمد صادری توحیدخانه و حمید بهره‌مند بگ‌نظر، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
۱۵. کاتوزیان، ناصر، **مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران**، تهران: انتشارات گنج دانش، چاپ صدونوزدهم، ۱۳۹۸.
۱۶. محقق داماد، مصطفی، **قواعد فقه (بخش مدنی - مالکیت و مسئولیت)**، تهران: انتشارات مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۷. مدرسی، محمدرضا، **البیع**، جلد ۱، قم: انتشارات دارالتفسیر، ۱۳۹۳.
۱۸. مردانی، نادر و محمد جواد بهشتی، **آیین دادرسی مدنی**، جلد ۱، تهران: انتشارات میزان، چاپ پنجم، ۱۳۹۳.
۱۹. موسسه بین‌المللی یکنواخت سازی حقوق خصوصی و موسسه حقوق امریکا، **اصول و قواعد آیین دادرسی مدنی فراملی**، ترجمه مجید پوراستاد، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، چاپ سوم، ۱۳۹۲.
۲۰. مهاجری، علی، **آیین دادرسی مدنی (۱)**، تهران: انتشارات فکرسازان، ۱۳۸۸.
۲۱. میرزای قمی، ابوالقاسم بن محمد حسن، **جامع الشتات**، جلد ۳، تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۷۱.
۲۲. نوبخت، یوسف، **نگاهی به آیین دادرسی مدنی**، تهران: انتشارات راد نوآندیش، ۱۳۹۳.

۲۳. هیئت پژوهشگران کاوندیش، *نظام حقوقی انگلیس*، ترجمه نسرین مهرا، تهران: انتشارات میزان، چاپ سوم، ۱۳۹۴.

مقاله

۲۴. ابوالفضلی، علی، *تفکیک قوا از منظر اندیشمندان اسلامی*، نشریه معرفت، ۱۳۹۶، شماره ۲۳۳، صص ۱۱۸-۱۰۵.

۲۵. ابهری، حمید، *ابلاغ الکترونیکی اوراق قضایی؛ مزایا و معایب*، مطالعات حقوق خصوص، ۱۳۹۷، شماره ۴۸ (۳)، صص ۴۱۲-۴۰۱.

۲۶. اسمعیلی، اکبر و بابک پورقهرمانی، *چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیک در ایران*، فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، دوره ۲۴، ۱۳۹۸، شماره ۸۷، صص ۵۹-۲۹.

۲۷. آقای طوق، مسلم و حسن لطفی، *تمیز میان «تفویض اختیار قانون‌گذاری و اعطای صلاحیت تخییری» در آرای دیوان عالی آمریکا*، نشریه حقوق اداری، ۱۳۹۳، شماره ۶، صص ۷۶-۵۷.

۲۸. الماسی، نجادعلی و بهنام حبیبی درگاه، *درآمدی بر کیفیت دادرسی در فرآیند دادرسی کارآمد*، نشریه دیدگاه‌های حقوق قضایی سال ۱۳۹۱، دوره ۱۷، شماره ۵۸.

۲۹. امینی، علیرضا، *تحلیل بازار کار و سیاست‌های اشتغال‌زایی اقتصاد ایران با تاکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی*، نشریه مجله اقتصادی، سال ۱۵، ۱۳۹۴، شماره ۵ و ۶، صص ۴۰-۲۳.

۳۰. بالوی، مهدی و سیده زهرا سعید، *بررسی صلاحیت وضع مقررات توسط رئیس جمهور در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران*، نشریه دانش حقوق عمومی، سال ۵، ۱۳۹۵، شماره ۱۶، صص ۶۰-۴۱.

۳۱. تنگستانی، محمدقاسم، *حدود و لوازم اختیارات رئیس قوه قضائیه در «ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری» در نظام حقوقی ایران*، نشریه حقوق اداری، ۱۳۹۸، شماره ۱۹، صص ۷۸-۵۳.

۳۲. جعفری، حمیدرضا، نورمحمد یعقوبی و امیرحمزه سالارزایی، **بررسی تاثیر کیفیت خدمات الکترونیک قضایی بر رضایتمندی شهروندان**، نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، سال ۷، ۱۳۹۳، شماره ۲۴، صص ۱۷۴-۱۵۳.
۳۳. ریاضی، فرشته، **بررسی نسبت بهبود کارایی قوه قضائیه و استفاده از تکنولوژی در دفاتر خدمات قضایی**، نشریه پژوهش ملل، ۱۳۹۸، شماره ۴۷، صص ۸۸-۷۳.
۳۴. زاده‌حسین علیایی، زهرا و احمد احمدی، **دادرسی الکترونیک در حقوق ایران؛ اهداف، مبانی و ویژگی‌ها**، نشریه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳۹۷، شماره ۳۵، صص ۱۳۶-۱۱۷.
۳۵. زمانی، امان‌اله و محمدحسن باقری خوزانی، **صلاحیت رئیس قوه قضائیه در ارسال مستقیم لوایح قضایی به مجلس شورای اسلامی**، نشریه حقوقی دادگستری، سال ۸۲، ۱۳۹۷، شماره ۱۰۳، صص ۵۰-۳۳.
۳۶. زین الدینی، مجید، علی فرهی و محمدرضا سلطانی، **پیامدهای کارآمدی در قوه قضائیه از منظر امام خمینی و مقام معظم رهبری (مدظله العالی)**، نشریه اسلام و مدیریت، ۱۳۹۵، شماره ۸ و ۹، صص ۱۷۹-۱۶۱.
۳۷. زین الدینی، مجید، علی فرهی و محمدرضا سلطانی، **ساز و کارهای کارآمدی در قوه قضائیه براساس گفتمان امام خمینی (رحمت‌الله علیه) و امام خامنه‌ای (مدظله العالی)**، نشریه امنیت ملی، سال ۵، ۱۳۹۴، شماره ۱۸، صص ۱۴۴-۱۲۱.
۳۸. شهبازی‌نیا، مرتضی، مجید غمامی و صدیقه جوان، **فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و عدالت قضایی**، دوفصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۱۳۹۶، شماره‌های ۷۹ و ۸۰، صص ۱۴۸-۱۲۱.
۳۹. طاهری، آزاده‌السادات و محمدعلی رجب، **آثار عدم صلاحیت در حقوق کیفری در پرتو آموزه‌های حقوق عمومی**، نشریه پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۹۳، شماره ۴، صص ۹۶-۶۹.

۴۰. عارف کیا، امید، غلامحسین مسعود و مسعود راعی، بررسی تطبیقی چالش‌های پیش روی کاربست نظریه تفکیک قوا در نظام حقوقی اتحادیه اروپا و ج.ا. ایران، نشریه رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸، شماره ۴۹، صص ۱۹۴-۱۷۵.
۴۱. غمامی، سید محمد مهدی و مهدی مرادی برلیان، امکان یا امتناع خصوصی‌سازی امور مربوط به قوه قضائیه، نشریه حقوقی دادگستری، ۱۳۹۷، شماره ۱۰۴، صص ۲۱۳-۱۷۹.
۴۲. محسنی، حسن، چالش‌های ابلاغ (سنتی، الکترونیک، سابقه و زبان)، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۸، ۱۳۹۷، شماره ۲، صص ۳۴۱-۳۲۱.
۴۳. محسنی، حسن و همایون رضایی‌نژاد، دادگستری و پیشرفت‌های فناوری اطلاعات و ارتباطات، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ۴، ۱۳۹۱، شماره ۲، صص ۱۴۲-۱۱۷.
۴۴. مظهری، محمد و سمیه موندی، بررسی آثار حقوقی مترتب بر تمایز صلاحیت در حقوق عمومی و اهلیت در حقوق خصوصی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال ۷، ۱۳۹۷، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، صص ۷۶-۶۷.
۴۵. نجفی کاج‌آبادی، قاسم، محمدتقی گیلک حکیم‌آبادی، منصور زراءنژاد و علیرضا پورفرج، ارزیابی پیشنهاد تغییر مالیات بر درآمد شخصی با توجه به ویژگی‌های خمس: رویکرد تعادل عمومی قابل محاسبه، نشریه نظریه‌های کاربردی اقتصاد، سال ۷، ۱۳۹۹، شماره ۱، صص ۹۰-۶۱.
۴۶. وحدتی، مهدی، حسین طاهرخانی، پرویز ساورایی و جمشید نورشرق، بررسی چالش‌ها و رفع تعارض مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با نگرش تطبیقی در حقوق فرانسه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۳۹۹، شماره ۷(۴)، صص ۲۴۱-۲۷۴.
۴۷. یاوری، اسدالله و محمدقاسم تنگستانی، نظام پاسخگویی قوه قضائیه و نسبت آن با استقلال این قوه، نشریه حقوقی دادگستری، سال ۸۰، ۱۳۹۵، شماره ۹۵، صص ۱۸۰-۱۵۱.

ب) منابع انگلیسی

Article

48. Latifiani, D, " Human Attitude and Technology: Analyzing a Legal Culture on Electronic Court System in Indonesia (Case of Religious Court)". *JILS (Journal of Indonesian Legal Studies)*, 6(1),2021, pp 157-184.